

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

◇ یادداشت سردیر

گستره و عمق معنایی الفاظ و صورتهای گوناگون تجلی مفاهیم در هر زمان و مکانی تابع یک سلسله شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و فنی آن زمان و مکان است. سفر در گذشته پیوسته مجموعه‌ای از وسایلی نظیر کجاوه، پالکی، قاطر؛ نقشهایی چون کاروان، قافله، کاروانسالار، راهزن، بلد، قاطرچی؛ و مفاهیمی جانبی چون نعل‌بندی، تیمار، و امثال آنها را به ذهن می‌آورد. ولی امروز همان لفظ "سفر" وسایلی چون اتوبوس، قطار، هواپیما، کشتی؛ و نقشهایی چون راننده، ملوان، خلبان، مهماندار؛ و مفاهیمی جانبی چون پنچری، فرود اضطراری، لنگرگاه، و مانند آن را به ذهن متبادر می‌کند. همین دگرگونی معنایی و مصداقی را می‌توان در مورد اصطلاحات و الفاظ دیگری نیز جست و جو کرد.

عناصر فرهنگی بیش از همه از این تحولات تأثیر پذیرفته‌اند، شاید دلیل عمده این اثرپذیری در گستره بسیار وسیع مفهوم "فرهنگ" نهفته باشد. مفاهیمی چون ثروت، رفاه، آموزش، معرفت، کتاب، و مانند آن از گذشته تا امروز پیوسته دستخوش دگرگونی بوده و از این پس نیز از مجموعه شرایط زمان و مکان تأثیر خواهد پذیرفت و متحول خواهد گردید.

رسانه‌ها به عنوان جزئی از عناصر فرهنگی به گونه‌ای بارزتر از تحولات اقتصادی و فنی اثر پذیرفته‌اند. کتاب، مطبوعات، رادیو و تلویزیون بیش از همه از این تغییرات شتابان متأثر شده‌اند. مرزهای سنتی که در گذشته میان این رسانه‌ها ترسیم شده بود با دخالت متقابل رسانه‌ها در مرزهای یکدیگر یا آفرینش رسانه‌هایی که ویژگی چند نوع آن‌ها را در خود دارند، در هم ریخته است. نگرش سنتی به این رسانه‌ها پیوسته مقوله‌بندیهای گوناگونی را پدید آورده است. اصطلاحاتی نظیر مواد غیر کتابی، مواد سمعی و بصری (یا به بیان دیگر، دیداری شنیداری)، مواد کمک آموزشی، و مانند آن همه ناظر بر دسته‌بندی سنتی رسانه‌هاست. حتی مصداقی رسانه‌های جمعی نیز امروزه دستخوش دگرگونی شده است.

نفوذ کتاب به نوارهای صوتی، صوتی تصویری، رادیو، تلویزیون، فیلم و مانند آن با بالعکس، امکانات بازیابی و بازخوانی مکرر فیلم و نوار و تصویر و مانند آن، تعبیر سنتی از رسانه‌های جمعی و غیر جمعی را در هم ریخته است.

پژوهش‌های جامعه‌شناختی گذشته در مورد برخورد جوامع با کتاب و تلویزیون پیوسته به تحلیل‌هایی از این نوع می‌انجامیده است که در جوامع مختلف، هر چه سطح سواد و تحصیلات پایینتر باشد نفوذ رسانه‌های تصویری، خصوصاً تلویزیون بیشتر است، و در واقع میان سطح دانش جامعه و میزان نفوذ رسانه‌های تصویری رابطه‌ای معکوس ترسیم می‌کرده‌اند. ولی این تحلیلها، متعلق به تاریخ است. امروزه، پژوهش‌های جامعه‌شناختی به چنان نتایجی نخواهد رسید. رسانه‌های غیر کتابی (به تعبیر سنتی) در جوامع پیشرفته چنان در سطوح مختلف حتی تا اوج مدیریتهای سازمانی، سیاسی، اجتماعی، و مانند آن رخنه کرده است که بدون آنها گردش امور اجتماعی، اقتصادی، و آموزشی ناممکن می‌نماید.

مسئولان فرهنگی جامعه، به دلیل تداخل رسانه‌ها در مرزهای شناخته شده و معمول آنها با دشواری برنامه‌ریزی روبه‌رو هستند. سیاستهای فرهنگی به دلیل دشواری تعریف و تشخیص فرهنگ بومی و اصیل از فرهنگهای غریبه و دخیل دستخوش ناستواری و پریشانی شده است. یکسان سازی فرهنگی تحت پوشش مفاهیمی چون نظم نوین جهانی، نظام نوین اقتصادی، روابط بین فرهنگی و مانند آن، افق حفظ اصالت‌های فرهنگی را در هاله‌ای از "مه دود" ترددهای شتابان محملهای فرهنگی قرار داده است.

با چنین چشم‌اندازی به دو گونه می‌توان برخورد کرد: یکی گونه‌ای انفعالی و تن سپردن به عواقب آنچه روی می‌دهد و پیش می‌آید، و دیگری مجهز شدن به تجهیزاتی از نوع تجهیزات حریف و افزایش توان مقابله و استفاده از رسانه‌هایی که حریف از آنها بهره برده است. بدیهی است که در بزرگراه اطلاعاتی که نقل و انتقال داده‌ها بر مرکب ثانیه‌هاست، تردد با استری پیر و رنجور بازآفرینی دون کیشوتی فرهنگی است.

جهان امروز با پدیده‌های نوین روبه‌روست که از آن با عنوان "تظامهای چندرسانه‌ای" یاد می‌شود. نظام چند رسانه‌ای چیزی جز ترکیب صوت و کلام و تصویر نیست، و ظاهراً پدیده‌ای به نظر نمی‌رسد که تأثیری چشمگیر بر فرایندهای اجتماعی، فنی، و فرهنگی بگذارد. اما در واقع آثار مستقیم و غیرمستقیم حضور چنین نظامی بسیار فراتر از آن است که در نخستین نگاه جلوه می‌کند.

در حال حاضر موزه‌ها، تجهیزات کمک آموزشی در مدارس، محققان حوزه‌های مختلف علمی و فنی به دیسکهای نوری چند رسانه‌ای با بانکها و پایگاههای اطلاعاتی چند رسانه‌ای

مجهر گردیده‌اند. بسیاری از آثار پرآوازه یا پرمراجعه نظیر دایرةالمعارفها، آثار ادبی کلاسیک، و مانند آنها به صورت نوارهایی که از هر سه عنصر صوت و کلام و تصویر بهره می‌گیرند در بازار عرضه می‌شود.

عرضه این مواد در بازار پیامدهایی دارد که ناگزیر باید آنها را به عنوان بخشی از عوارض عنصر جدید پذیرفت. یکی از موارد عمده این پیامدها که در اینجا مورد نظر است، نقش مدیریتی مراکزی است که با این مواد سر و کار دارند. به عنوان مثال، مرز آرشیوهای صوتی تصویری و آنچه سنتاً با نام کتابخانه شناخته می‌شده‌اند در هم ریخته است، حضور اجتناب ناپذیر میکروفوم، دیسک نوری، و پایگاههای اطلاعاتی چند رسانه‌ای در کتابخانه‌ها به گونه‌ای است که نمی‌توان یک دایرةالمعارف را بر اساس محمل ثبت و ضبط آنها میان دو واحد کتابخانه و آرشیو تقسیم کرد و هر یک را برای برخورداری از یکی در قبال دیگری موجه شمرد.

همچنین مراکزی که مسئولیتهای مدیریتی در امور سمعی و بصری دارند، امروزه با توجه به دستاوردهای نوین تکنولوژیکی ناگزیرند کلیه کتابهایی را که در ساختار نوار و دیسک و میکروفوم تولید می‌شوند، با عنایت به اهداف خود زیر پوشش درآورند، و در واقع تعریف جدیدی از مسئولیتهای خود ارائه کنند.

حضور نظامها یا پایگاههای چند رسانه‌ای، به دلیل ترکیب چند عنصر که در گذشته به واحدهای مجزا تعلق می‌یافت، و نیز ناممکن بودن تفکیک امروزی آنها، سبب شده است که این گونه مدیریتها به این نوع مواد جدید با وسعت نظر بیشتری بنگرند و سیاست نوینی را برای گردآوری، سازماندهی، و ارائه آنها تدوین کنند. حضور سه عنصر صوت و کلام و تصویر در این رسانه‌ها نه تنها رفتار متفاوتی را در عرضه فراهم‌آوری و پردازش می‌طلبد، بلکه آثار فرهنگی آنها نیز خود مقوله‌ای بسیار جدی و قابل تأمل است. بدیهی است هرگاه پیامی از هر سه عنصر نوشته، صدا، و تصویر بهره‌گیرد به دلیل آنکه همزمان سه حس عمده مخاطب را به خود می‌خواند از قابلیت نفوذ بیشتری برخوردار است. احتمال نفوذ بیشتر، از سوی دیگر، خود سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی منضبط و همه جانبه‌ای را ایجاد می‌کند که کلیه دست اندرکاران حوزه‌های سمعی و بصری و فرهنگ باید به آن بیندیشند.

کلیه فرایندهای مرتبط با این گونه رسانه‌ها و ضرورت توجه مسئولان مختلف درگیر با آنها، خصوصاً ارگانهایی که مستقیماً مسئول گردآوری، نگهداری، و سازماندهی این رسانه‌ها هستند، یا کسانی که مسئولیت سیاستگذاری این امر نیز با آنهاست حکایت از آن دارد که ناگزیر می‌بایست استراتژی نوینی برای برخورد با این گونه مواد و منابع طراحی و تدوین شود. این استراتژی می‌بایست در چند زمینه دیدید آید که به ترتیب از تعریف دوباره اصطلاحات و مفاهیم

و تبیین جدید اهداف آغاز می‌شود و به پایه‌ریزی تشکیلات نوین و تدوین برنامه‌های مشخص اجرایی در برخورد با این رسانه‌ها می‌انجامد. بدیهی است که این بازنگری هر چه زودتر صورت گیرد زودتر از سرگردانی احتمالی واحدها در انجام وظایف خویش و اختلال در جریان مسئولیتها و تکالیف دست‌اندرکاران خواهدکاست.

عباس حُرّی